

افغانستان آزاد - آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۰۸ دسمبر ۲۰۱۹

جواسیس تکنوکرات و یا جانیان اخوانی؟

۳

شنبه- ۱۶ قوس ۱۳۹۸ - کابل:

۴ - ناکامی اساسی "غنی احمدزی" در بیرون انداختن کامل اخوان بدان علت بود که جواسیس تکنوکرات من جمله شخص "غنی احمدزی" هیچ گونه پایگاه و شناخت توده ئی نه تنها در بین مردم افغانستان نداشتند، بلکه در درون نیروهای امنیتی که در زمان "حامدکرزی" بنا بر شرایط همان زمان شکل گرفته بود نیز ندارند. "غنی احمدزی" ظرف پنج سال قادر شد از جمع ۵۳ بست فرماندهان و مقامات با صلاحیت وزارت دفاع، وزارت داخله و ریاست امنیت ملی تحت تأثیر تبعیضات قومی غلیظ، تقریباً تمام نیروهای آمده از اسلام سیاسی را از کار برکنار، خانه نشین، بدنام و زندانی سازد. خلاف تصور امپریالیسم و اداره دست نشانده که فکر می کردند با "سربری"، نفوذ اسلام سیاسی را کاهش خواهند داد، تجربه نشان داد که اردوی دست ساخت امپریالیسم به همان چاهی افتاد که اردوی شاهی و "داوود" و بعد ها خاینان خلق و پرچ افتاده بودند.

چاه فاصله و حتا تقابل بین صفوف اردو با رهبری و سیستم فرماندهی آن. به همین دلیل بود که در جریان ۵ سال حاکمیت "غنی احمدزی" گذشته از آن که بیش از ۴۵ هزار سرباز کشته شد و به همین تعداد نیز فرار نمودند، به هزاران تن دیگر خود را به طالب تسلیم نمودند.

چنین وضعیتی در حال حاضر که هنوز هم در مقامات پائینتر وابستگان اسلام سیاسی و اخوانی امر و نهی می نمایند، اردو را به یک وسیله بیکاره تبدیل نموده است، این نکته کاملاً روشن است که در صورت بیرون انداختن کامل اخوان از قدرت، وضعیت اردو از امروز هم بدتر خواهد شد و توان دولت دست نشانده نه تنها در مقابله با مخالفان مسلح کنونی کاهش خواهد یافت، بلکه در صورت تشدید تضاد جواسیس تکنوکرات با اخوانیت مسلح، اردوی فعلی به چنان روزی خواهد افتاد که حاکمیت مزدوران روس در تمام حیات شان با آن دست به گریبان بودند، یعنی تعداد افراد و عساکر چنان کاهش خواهند یافت که در تشکیل صد نفره یک تولی، بیش از ۲۰ سرباز نخواهد ماند.

۵- مشکل دیگر امریکا در مقطع کنونی چگونگی برخوردش با طالب است. طالب که از یک سو امتداد منطقی جهادیت ها و اخوانیت است و از جانب دیگر ضمن تجارب مستقیم، استادان شان نیز به آنها تفهیم نموده است که نباید اشتباه "اخوان" و "جهادیت" ها را مرتکب شده با جواسیس تکنوکرات، کنار بیابند، زیرا در آنصورت امپریالیسم با

آنها همان برخورداری را پیش خواهد گرفت با سلف شان انجام داده بود یعنی آنها را نیز بعد از مدتی به مانند کاغذ تشناب دور خواهند ریخت، به گفته مردم دوپایش را در یک موزه نموده که با جواسیس تکنوکرات نمی خواهد هیچ گونه رابطه ای داشته باشد.

عکس آن آنها بسیار آگاهانه و هوشیارانه می خواهند با جهادپست ها و اخوانیت خلع سلاح شده مشترکاً کار نمایند. آنها این نکته را می دانند که اخوان دیگر توانائی دیروزش را ندارد، نه از لحاظ رهبری و نه از لحاظ امکانات مادی تخنیک، مگر عکس آن لشکر عظیمی از توده های فریب خورده هنوز هم حاضر اند در رکاب آنها بجنگند. پاکستان و ایران هم این را می دانند که اخوان از جانب امپریالیسم و جواسیس تکنوکرات در موقعیتی قرار گرفته که بین همکاری با طالب و یا نابودی مطلق شان می باید یکی را انتخاب نماید، از همین را با احیاء و تحکیم روابط قبلی و ایجاد روابط جدید، تلاش می ورزند تا کلیت اخوان را به عقبه طالب مبدل بسازند؛ امری که شواهد نشان می دهد تا حد زیادی بدان توفیق یافته اند.

هموطنان گرامی!

وقتی از این منظر به اوضاع فعلی افغانستان نظر انداخته می شود، متوجه می شویم که این کمیسیون به اصطلاح "مستقل انتخابات" نیست که روزگمی نموده نمی خواهد یک نام را از صندوق جادوی استعمار به مثابه برنده اعلام بدارد، بلکه این امپریالیسم است که تا هنوز قادر نشده بین "وبا و سرطان" در یک طرف یعنی "گلبدین، عبدالله، محقق، خلیلی، طالب" و ... و "ایدز" یعنی "غنی احمدزی" و تمام جواسیس تکنوکرات دیگر، انتخابش را نماید. انتخابی که می باید مبتنی بر تحلیل دقیق از اوضاع افغانستان و اطمینان به این که زمان انتقال و تکیه بر جواسیس تکنوکرات کاملاً آماده است.

ادامه دارد